

آذرشهر

آذرشهر، یا دهخوارقان، یکی از بخشهای حومه شهرستان تبریز. این بخش در 24 کم‌خاور دریاچه ارومیه و در ...



آذرشهر، یا دهخوارقان، یکی از بخشهای حومه شهرستان تبریز. این بخش در 24 کم‌خاور دریاچه ارومیه و در جنوب غربی کوه سهند قرار دارد و از شمال و خاور به بخش آسکو، از جنوب به دهستان سراجو، و از باختر به دریاچه ارومیه محدود است. هوای این بخش معتدل و در تابستان نسبتاً گرم است. روستاهای خاوری آن در دامنه کوهستان و روستاهای باختری در جلگه و کنار دریاچه ارومیه قرار گرفته است. رودخانه دهخوارقان که از کوههای سهند سرچشمه می‌گیرد، از این بخش می‌گذرد و به دریاچه ارومیه می‌ریزد.

مطابق آخرین تقسیمات کشوری، بخش آذرشهر از 3 دهستان آذرشهر، گاوغان و شیرامین تشکیل شده است (دفتر تقسیمات کشوری، 9). دهستان آذرشهر دارای 19 ده، گاوغان 12 ده و شیرامین 8 ده و همه این بخش دارای 39 ده و 10 مزرعه تابع و مستقل است (فرهنگ اجتماعی دهات و مزارع، 66/1). زمینهای زراعتی روستاهای این بخش با چشمه‌سارها، قنات‌ها و چاههای عمیق آبیاری می‌شود. افزون بر این از آب رودخانه‌های دهخوارقان و ایشکه‌چای نیز استفاده می‌گردد. در بخش آذرشهر 49 قنات دایر، 45 حلقه چاه عمیق، 235 چاه نیمه عمیق، 91 چشمه و 7 رودخانه دائمی برای آبیاری وجود دارد (فرهنگ اقتصادی دهات و مزارع، 66/5). مهم‌ترین محصولات آنجا، گندم، جو، حبوبات، انگور، بادام، سیب درختی و گوجه‌فرنگی است. مهم‌ترین مشاغل اهالی، دامداری و صنایع دستی همچون قالی‌بافی، زیلو و جاجیم‌بافی است. گاوغان از شیرامین بزرگ‌تر و دارای روستاهای متعدد است. جمعیت این دهستان براساس سرشماری 1355 ش، 14'322 نفر، متمرکز در 2'591 خانوار، بوده است. شهرک گاوغان مرکز این دهستان براساس همین سرشماری دارای 9'384 نفر جمعیت بوده که 1640 خانوار را تشکیل می‌داده است. در سرشماری 1360 ش که توسط جهاد سازندگی صورت گرفته، دهستان آذرشهر 3'152 خانوار، شیرامین 2'420 خانوار و گاوغان 3'961 خانوار ساکن داشته است. شهرک آذرشهر مرکز بخش آذرشهر در 54 کیلومتری جنوب باختری تبریز و 17 کم‌خاور دریاچه ارومیه قرار گرفته و از مرکز شهر تا راه‌آهن تبریز - مراغه 12 کم‌فاصله دارد. طول جغرافیایی آن 45 و 58 عرض جغرافیایی 37 و 46 و ارتفاع آن از سطح دریا 1'468 متر است. جمعیت آن مطابق سرشماری 1355 ش، 19'653 تن بوده که در 3'816 خانوار متمرکز بوده است. این شهر چون از یک‌سو در نزدیکی رشته‌کوه سهند و از سوی دیگر نزدیک دریاچه ارومیه قرار گرفته، دارای آب و هوایی معتدل است. کوههای مرتفعی که در جنوب و شرق آن قرار گرفته بسیار برف‌گیر و سرد است. زمستان آذرشهر برخلاف تبریز زودرس و طولانی نیست. تابستان آن ملایم و مطبوع است و گرمای شدید ندارد. رود دهخوارقان از جنوب آن می‌گذرد و پس از مشروب کردن باغهای اطراف آن به دریاچه ارومیه می‌ریزد. طول این رود نزدیک به 40 کم است (کیهان، 82). این شهر از طریق راه آسفالت‌ه به تبریز و از سوی دیگر به عجب‌شیر و میان‌دوآب متصل می‌شود. راه‌آهن نیز از روستاهای غربی آن می‌گذرد.

سابقه تاریخی: آذرشهر تا 1316 ش دهخوارقان نامیده می‌شد، ولی برحسب پیشنهاد فرهنگستان ایران و تصویب وزارت معارف وقت، در این سال نام آن به آذرشهر تغییر یافت. اما در اسفند 1325 ش با تصویب وزارت کشور بار دیگر نام دهخوارقان بر آن نهاده شد. در سالهای پس از آن مجدداً نام آذرشهر متداول گردید. آذرشهر از شهرهای قدیم آذربایجان است و احتمالاً پیش از اسلام در این ناحیه آتشکده‌ای دایر بوده است. در نخستین سده‌های اسلامی نام آنجا «داخرقان» بوده است. ابن‌خردادبه یک‌بار آنجا را داخرقان (ص 120) و بار دیگر «ده‌الخرقان» (ص 213) نامیده است. طبری در حوادث 234/848 م از روستای داخرقان نام برده و آن را در منطقه فرمانروایی محمدرود به شمار آورده است (11/1380). دیگر جغرافی‌دانان اسلامی همچون اصطخری، ابن‌حوقل، مقدسی، نیز چندبار از داخرقان به همین عنوان یاد کرده و آن را شهر دانسته و نامش را به صورتهای دهنخیرجان، ده‌تخیرجان و حریرقان ضبط کرده و آن را منسوب به تخیرجان - خزانه‌دار انوشیروان پادشاه ساسانی - دانسته است (یاقوت، 494/2، 631). حافظ ابرو از «دیه خارقان» نام برده (ص 269)، اما حمدالله مستوفی نخستین‌بار نام دهخوارقان را به صورت فعلی آورده و از هوای معتدل، باغستانها و تاکستانهای فراوان و از غله و پنبه آنجا سخن گفته و افزوده است که مردمان این شهر، سفیدچهره و بر مذهب شافعی‌اند. او 8 ده را از توابع این شهر و حقوق دیوانی آنجا را 23'600 دینار ضبط کرده است (صص، 80، 86-87). در متون تاریخی دوره نادر نیز به مناسبت آنکه یک‌بار در لشکرکشی نادرشاه به سوی عثمانی این شهر محل ورود پیش‌قراولان سپاه عثمانی بوده نام آنجا آمده است (استرآبادی، 126-127). در زمان فتح‌شاه، پس از اینکه ایرانیان در دومین جنگ از سپاهیان روس شکست خوردند، دهخوارقان محل ملاقات عباس‌میرزا و پاسکویچ فرمانده سپاهیان روسی تعیین شد و تنظیم مواد عهدنامه ترکمان‌چای در همین شهر صورت گرفت (افشار، 47، 68، 70، 77، 78، 81، 87). اوژن‌اوبن که در 1324-1325 ق/1906-1907 م از ایران دیدن کرده از دهخوارقان نیز گذشته و آنجا را شهری کوچک که 12'000 جمعیت داشته توصیف کرده و افزوده است که تعدادی از جمعیت این شهر ارمنی هستند. او از باغهای بادام آنجا که مالکیت بیشتر آنها در دست نیرزیان بوده، یاد کرده است (ص 131). نادر میرزا صفحات چندی از کتاب خود را به دهخوارقان اختصاص داده و از معدن مرمر این ناحیه و چگونگی استخراج آن از روزگاران قدیم سخن گفته و مشاهیر آنجا را نیز برشمرده است (صص 83-87، 119).

آثار تاریخی: در این شهر و روستاها و دهستانهای پیرامون آن، آثار تاریخی چندی وجود دارد که مشهورترین آنها را یاد می‌کنیم: 1. گورستان پیرحیران. این گورستان به نام خواجه یوسف دهخوارقانی ملقب به پیرحیران است و مقبره او نیز در میان گورستان در اطاق کوچکی جای دارد (خاماجی، 33-34). 2. مسجد قدمگاه. این مسجد در بالادشت گورستان قدمگاه (یا قریه بادامیار) واقع شده و برخی از باستان‌شناسان آن را به دوران پیش از تاریخ نسبت می‌دهند که بعداً به صورت آتشکده و سپس به صورت مسجد درآمد است. گنبد این مسجد در حدود 12 متر بلندی دارد و از نظر شیوه معماری جزو بناهای مهم است (مشکوتی، 7)؛ 3. مقبره پیرلر. این مقبره در شمال شرقی آذرشهر و در یک کیلومتری مرکز شهر واقع شده و به نام پیر حیران نامیده می‌شود و متعلق به قرن 10 و 11 ق/16 و 17 م است (همانجا)؛ 4. گورستان قدمگاه. این گورستان در 15 کیلومتری جنوب آذرشهر در قریه بادامیار (قدمگاه) قرار گرفته و متعلق به قرن 9 و 10 ق/15 و 16 م است. بیشتر مردگان این گورستان از شیوخ دوره صفوی هستند. اهالی محل، آن را به نام دیک قبرستان می‌نامند (مشکوتی، 8). این گورستان بر روی پشته‌ای قرار گرفته و سنگ‌نبشته‌ها و حجاریهایی در آن دیده می‌شود. از اشخاصی که درین گورستان مدفونند باید خواجه ابواسحق ابراهیم مشهور به پیر چوپان (د 724/1324 م) و خواجه‌علی بادامیاری (د 699/1300 م) را نام برد (خاماجی، 39).

از مشاهیر دهخوارقان باید خواجه یوسف حیران دهخوارقانی (د 670ق/1272م) را ذکر کرد که از عرفای منسوب به این شهر است. وضع کنونی: مردم آذرشهر بیشتر به داد و ستد، سوداگری، پیشه‌وری و پاره‌ای از کارهای تولیدی و بازرگانی و خدمات دولتی اشتغال دارند. قالی‌بافی رونق فراوانی دارد و تا روستاهای دوردست این شهر نیز کشانده شده است. قالی آن در سایر جاها به نام قالی تبریز عرضه می‌شود. حوله‌بافی، پارچه و پتوبافی نیز از صنایع این شهر است که مقداری از محصول آن در محل مصرف می‌شود و بقیه به تبریز و سایر شهرهای کشور ارسال می‌گردد. در حومه آذرشهر چند کارخانه آجرفشاری نیز مشغول کار است. برطبق مدارک موجود در 1355ش، در این شهر 38 مسجد، 6 آب انبار، 5 بازار، 3 بیمارستان و درمانگاه و یک چاپخانه وجود داشته است. در همین سال یک کارخانه کمپوت‌سازی در آنجا دایر بوده است (خاماچی، 75-84).

محصولات عمده کشاورزی این شهر غلات، تره‌بار، سیب‌زمینی، پیاز و نخود است. توتون نیز سابقاً کاشته می‌شد، ولی پس از اجرای قانون انحصار دخانیات دیگر به کشت آن توجهی نشد (خاماچی 85-93). از میوه‌ها، انگور به فراوانی در اطراف شهر به دست می‌آید. آموزش و پرورش در آذرشهر با سابقه دیرینه‌ای که دارد از رونق ویژه‌ای برخوردار است. این شهر دارای دو کتابخانه عمومی، چند دبیرستان، دبستان و هنرستان حرفه‌ای است.